

قرآن و چگونگی مراحل رشد جنین

محمدرضا آرزومندی*

چکیده

«دکتر سها» در کتاب «نقد قرآن» با پیش فرض قرار دادن برخی از مبانی به نقد برخی از مسائل علوم پزشکی مطرح شده در قرآن کریم از جمله مراحل رشد جنین پرداخته و آن را خطای علمی قرآن پنداشته و در نتیجه حکم به غیر الهی بودن قرآن داده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری شده و درصدد بررسی دقیق شبهات مطرح شده توسط دکتر سها و پاسخ علمی و مستدل بدان است.

مراحل رشد جنین در قرآن عبارتند از: نطفه، علقه، مضغه، عظام و پوشیدن آن با لحم و دمیدن روح است. معیار قرآن کریم برای این تقسیم‌بندی، تغییرات اساسی در رویان است. از آنجا که قرآن کتاب هدایت است نه علوم تجربی؛ لذا انتظار می‌رود که مراحل را با اختصار و به دقت بیان نماید؛ به همین دلیل صرفاً تغییرات اساسی رشد جنین مورد نظر قرار گرفته که این با یافته‌های علوم پزشکی مخالفتی ندارد و دانش روز نیز آن را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: جنین‌شناسی، مراحل رشد جنین، کتاب نقد قرآن، دکتر سها، بررسی شبهات.

مقدمه

یکی از محورهای مهم و قابل توجه در آیات قرآن، موضوع پیدایش و آفرینش جنین است که به عنوان نقطه آغاز حیات انسانی مطرح گردیده، در یک آمار کلی، قرآن در ۴۱ سوره با ۷۶ آیه با بیانی شیوا به این موضوع پرداخته است؛ چراکه مرحله جنینی، یکی از ظریف ترین مراحل زندگی انسان است که دارای اسرار و شگفتی های فراوانی بوده که گاهی از حد اندیشه بشر- خارج است، به گونه ای که در دانش جنین شناسی نیز با همه پیشرفت هایش، هنوز بسیاری از رازها و معماهای ناگشوده پیرامون آفرینش و رشد جنین باقی مانده است.

قرآن کریم، تمام مراحل آفرینش و رشد جنین را با اصطلاحاتی به ظاهر ساده، بیان کرده است، قرآن کریم مراحل تکامل جنین را در رحم مادر در مراحل شش گانه خلاصه می کند:

۱. مرحله نطفه؛
۲. مرحله تبدیل نطفه به علقه؛
۳. مرحله تبدیل علقه به مضغه؛
۴. مرحله تبدیل مضغه به استخوان؛
۵. مرحله پوشش استخوان با گوشت؛
۶. مرحله آفرینش تازه با دمیدن روح.

«خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴).

ولی دکتر سها منکر وحیانی بودن قرآن است و با شبهات واهی به مخالفت آیات قرآن می پردازد.

از طرفی قرآن کریم ضمن بیان مخالفت های مختلف با وحی و رسالت به واکنش متقابل، در برابر این برخوردها پرداخته است. امروزه نیز حرکت مخربی که از سوی مخالفان عصر- نزول آغاز شده است همچنان ادامه دارد و از قرن نخست قمری تاکنون کتاب هایی در نقد قرآن و کتاب هایی در پاسخ به آنها نگاشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

محمد بن مستنیر بصری مشهور به «قطرب نحوی» (متوفای ۲۰۶) از دانشمندان نحو و

ادب و شاگرد سیبویه و از اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام از نخستین کسانی است که کتابی با عنوان «الردّ علی الملحدین فی تشابه القرآن» تألیف کرده است. پس از وی احمد بن حنبل (۲۴۱ - ۱۶۴ ق) کتاب «الرد علی الزنادقة و الجهمیة» را به رشته تحریر درآورد.

ابوالحسین احمد بن یحیی راوندی معروف به ابن راوندی (۲۴۵-۲۰۵ ق) از کسانی است که با نگارش کتاب «الدامخ» و «الزمرده» به طور کلی تشکیکات و طعن‌های بسیاری را در مورد قرآن و نبوت بیان داشته است.

آنچه ذکر شد، موارد اندکی از کتاب‌هایی است که در طول تاریخ اسلام در نقد قرآن کریم و پاسخ به آن، نگاشته شده است. ولی در عصر حاضر کتابی با عنوان «نقد قرآن»، نوشته شخصی به نام سها (نام مستعار) در فضای مجازی منتشر گردیده که به ادعای مخالفان، یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌ها در زمینه نقد قرآن است. تلاش نویسنده در این کتاب، اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم است.

ناقد قرآن در اثبات این ادعا، فصلی مفصل با عنوان «خطاهای علمی قرآن» نگاشته که در آن به گمان خود، اشتباهات علمی قرآن کریم را آشکار کرده است. در حقیقت این فصل، اصلی‌ترین بخش این کتاب محسوب می‌شود و در صورت رد آن، زیربنای فکری و منطقی کتاب مذکور دچار تزلزل گردیده و فرو خواهد ریخت.

از مهم‌ترین بخش‌های این فصل، شبهات مربوط به علوم پزشکی، از جمله شبهات پیرامون مراحل رشد جنین است که پاسخ به این شبهات، نیازمند بررسی و مطالعه دقیق تفاسیر، کتب لغت و مفردات قرآن، کتب رجالی اهل سنت و کتب و مقالات پزشکی مرتبط با موضوعات بحث دارد؛ بنابراین با توجه به پیچیدگی آن، کمتر از سوی محققان بدان پرداخته شده و یا به صورت سطحی مورد بحث قرار گرفته است. با عنایت به اهمیت موضوع و نیز توجه به اینکه تاکنون کسی مقاله‌ای با عنوان مذکور به تحقیق و پژوهش نپرداخته است، محقق قصد دارد ضمن بررسی دقیق شبهات مراحل رشد جنین کتاب «نقد قرآن» دکتر سها، با استفاده از کتب معتبر و مرجع در زمینه علوم مربوط به بحث (کتب پزشکی، تفسیری، رجالی، لغوی، روایی و...)، برای این شبهات پاسخ قاطع و علمی ارائه کرده و عدم

تعارض بین یافته‌های علم پزشکی با آیات مربوط به آن را در قرآن کریم، اثبات نماید. بنابراین پژوهش حاضر ضمن بررسی دقیق شبهات پیرامون مراحل رشد جنین، به نقد قاطع و علمی شبهات مذکور پرداخته است که در عین اختصار نه تنها با یافته‌های علوم پزشکی مخالفت ندارد، بلکه مطالب علوم پزشکی قرآن به صورت شگفت‌انگیزی جلوتر از علم حرکت کرده است و علم قطعی آن‌ها را تأیید می‌کند.

مفهوم‌شناسی

الف) شبهه در لغت

واژه «شَبْهَه» از ماده «ش-ب-ه» است و راغب اصفهانی در معنای آن می‌گوید: «هو أن لا يتميز أحد الشَّيئين من الآخر لما بينهما من التَّشابه، عيناً كان أو معنى: شبهه چیزی است که به دلیل تشابه ظاهری و معنوی بین دو چیز، تمیز آن‌ها از یکدیگر مقدور نباشد» (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۴۴۳، صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶، حسینی زبیدی ۱۴۱۴ق، ص ۵۰).

ب) شبهه در اصطلاح

معنای اصطلاحی شبهه عبارت است از بیان مطالب یا پرسش به صورتی که حق و باطل مخلوط شود و دیگران را به اشتباه بیندازد. تفاوت اساسی شبهه و پرسش آن است که در پرسش شخص به دنبال حق است و از مطلبی سؤال می‌کند تا حقایق بر او روشن شود؛ از این رو پرسش را تا حد امکان شفاف و مشخص بیان می‌کند؛ اما در «شبهه» شخص به دنبال گمراه کردن دیگران است و نمی‌خواهد که حقیقت روشن شود؛ یعنی غالباً حقیقت را می‌داند ولی آن را در ورای کلمات مخفی می‌کند؛ از این رو شبهه همراه با ابهام و یا اجمال بیان می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵۸).

ج) جنین در لغت

به معنای پوشاندن چیزی از حواس است و به فرزند در شکم مادر، از آن رو که پوشیده و پنهان است، جنین گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۵، جوهری، ۱۳۶۸، ص ۷۵، راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۶۹۱).

د) جنین در اصطلاح

در علوم زیستی و جنین‌شناسی، به موجود حاصل از لقاح از سه تا هشت هفتگی رویان و پس از هشت هفتگی تا زمان تولد، جنین گفته‌اند (سلطانی‌نسب، ۱۳۵۶، ص ۶). اصطلاح جنین در متون فقهی و حقوقی: مترادف با «حَمَل»، یعنی بچه در رحم مادر از ابتدای بارداری تا تولد، به کار می‌رود (علامه حلی، ۱۴۱۴، ص ۳۲۶، شاذلی، ۱۹۹۷، ص ۳۵۰، مدکور، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

همچنین واژه جنین در متون فقهی، بر حمل، پس‌ازآنکه خلقت انسانی یابد، اطلاق می‌شود (شافعی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۷، شیخ‌طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹، مدکور، ۱۳۸۹، ص ۳۴ - ۳۵).

معرفی کتاب «نقد قرآن»

کتاب «نقد قرآن»، نوشته شخصی به نام «دکتر سها» است؛ البته نام دکتر سها مستعار است و در صفحه ۲۴ کتاب «نقد قرآن» به این مطلب تصریح کرده که وی دکتر دارد، ولی مدعی است که درس حوزوی خوانده است.

کتاب ایشان در ۹۳۵ صفحه به‌صورت فایل در فضای مجازی منتشر شده است.

بخشی از ویژگی‌های کتاب «نقد قرآن»:

۱. تقریباً همه شبهات قرآنی را جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است
 ۲. زبان نوشتاری فارسی و روان تا حدود زیادی مؤدبانه و بدون توهین است (نویسنده ابتدا خود را خدا‌باور معرفی می‌کند که به دنبال حقیقت است).
 ۳. به نظر می‌رسد کتاب حاصل کار گروهی بوده است و صاحب‌قلم به اصطلاحات حوزوی و علوم قرآنی آشنا بوده است.
 ۴. قرآن را کتاب بشری و تابع فرهنگ زمانه می‌داند و تحدی آن را به چالش می‌کشد.
 ۵. در صفحه ۹۲۵ همه ادیان را خرافه معرفی می‌کند و منکر وحی و الهام خدا به بشر- و سپس منکر خدا می‌شود.
- تلاش اصلی نویسنده در این کتاب، اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم است. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد:
- اگر قرآن کتاب خدا باشد باید حداقل دو ویژگی اساسی داشته باشد. اولاً صد در صد و

ازهرجتهی درست و بدون ضعف باشد؛ زیرا کلام خداست و خدا عالم و عاقل است و خطا نمی‌کند. ثانیاً؛ باید دارای معجزه باشد؛ یعنی چیزهایی داشته باشد که از توان بشر- خارج باشند.

ناقد قرآن درباره شیوه استدلال و ادعای خود، در کتابش می‌گوید:

روش استدلال این کتاب بسیار ساده است:

- مقدمه اول: اگر قرآن از خدا باشد بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است.

- مقدمه دوم: قرآن پر از خطا و ضعف است و معجزه‌ای هم ندارد.

- نتیجه: پس قرآن از خدا نیست.

ناقد قرآن در اثبات این ادعا، فصلی مفصل با عنوان «خطاهای علمی قرآن» نگاشته که در آن به گمان خود اشتباهات علمی قرآن کریم را آشکار نموده است. در حقیقت این فصل، اصلی‌ترین بخش این کتاب محسوب شده و در صورت رد آن، زیربنای فکری و منطقی کتاب مذکور دچار تزلزل گردیده و فرو خواهد ریخت.

آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم، بررسی و رد شبهات علمی مطرح‌شده توسط ناقد قرآن در خصوص موضوع مراحل رشد جنین، با استفاده از یافته‌های علمی مطرح‌شده در معتبرترین کتب مرجع علمی جهان است. شیوه استدلال این پژوهش که با روشی کاملاً علمی و منطقی نگاشته شده عبارتند از:

مقدمه اول: اگر قرآن از خدا باشد بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است.

مقدمه دوم: قرآن عاری از هرگونه خطا و ضعف بوده و شامل معجزات متعدد است.

نتیجه: پس قرآن از طرف خدا نازل گردیده است. این پژوهش درصدد اثبات مقدمه دوم

پیرامون مراحل رشد جنین است.

در پاسخ به شبهات نیز ابتدا متن کامل شبهه آورده شده و سپس پاسخ لازم ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که هر آنچه در این پژوهش مطرح گردیده، به قدر فهم و درک نویسنده بوده، وگرنه جز مطهران واقعی که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند، کسی قادر به درک عمق مطالب و حقیقت واقعی کلام خداوند نیست و علمای بزرگ در مقابل عظمت آن سر تعظیم فرود آورده‌اند.

متن شبهه

قرآن در آیات زیر مراحل رشد جنین را ذکر کرده است:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۲ - ۱۴)؛ «و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه و علقه را به صورت مضغه و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم، و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است».

مراحل ذکر شده عبارتند از: تبدیل نطفه به خون بسته (علقه) و سپس تبدیل به گوشت جویده شده (مضغه) و سپس تبدیل به استخوان و سپس استخوان توسط گوشت پوشیده می‌شود و سپس آفرینش دیگر.

حدیثی صحیح در کتاب عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة ابن‌ابی‌جمهور، در تفسیر آیه فوق (و آیات مشابه) آمده است: «حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: «أَنَّ خَلْقَ أَحَدِكُمْ يُجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَهُ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَهُ، ثُمَّ يَبْعَثُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ، فَيُؤَدِّنُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ، فَيَكْتُبُ: رِزْقَهُ وَ أَجَلَهُ وَ عَمَلَهُ وَ شَقِيٌّ أَمْ سَعِيدٌ»؛ «پیامبر ﷺ گفت هر یک از شما در شکم مادرش گرد می‌آید به مدت ۴۰ روز و سپس علقه می‌شود به همان مقدار (۴۰ روز) و سپس مضغه می‌شود به همان مقدار (۴۰ روز) سپس خدا ملکی را می‌فرستد و به چهار چیز امر می‌شود: به رزق و مرگ و شقی بودن یا سعید بودن» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۱، نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴، نسائی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۶۶؛ سجستانی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۸).

برای مقایسه مراحل ذکر شده با واقعیت‌های رشد جنین به هر کتاب جنین‌شناسی دانشگاهی می‌توانید مراجعه کنید. مراحل رشد جنین از آغاز لقاح تا انتهای ۸ هفتگی (حدود ۶۰ روز که فرم کلی جنین ایجاد شده است) به ۲۳ مرحله تقسیم می‌شود. بعد از ۸ هفتگی جنین به سرعت رشد می‌کند و تمام قسمت‌ها و ارگان‌های داخلی و بافت‌ها تا هنگام تولد به سرعت تکامل می‌یابند.

البته مراحل رشد برخی بافت‌ها و ارگان‌ها مخصوصاً سیستم عصبی پس از تولد هم ادامه می‌یابد. جنین دائماً در حال تغییر و تکامل است، حال کدام یک از مراحل علقه است و کدام مضغه و کدام استخوان و کدام دمیدن روح. هیچ‌کدام از این مراحل در دوره رشد جنین وجود ندارند. جنین در هیچ مرحله‌ای خون بسته نیست و در هیچ مرحله‌ای (شبهه گوشت جویده نیست و در هیچ مرحله‌ای استخوان نیست. اساساً رشد تمام بافت‌ها از جمله عضله و استخوان باهم پیش می‌روند نه اینکه ابتدا جنین تبدیل به استخوان شود و سپس گوشت اطراف استخوان‌ها را فراگیرد. همچنین هیچ تغییری که نشانگر دمیدن روح باشد در جنین اتفاق نمی‌افتد. وضعیت از این هم بدتر می‌شود اگر حدیث فوق را همراه با آیات بررسی کنید. حدیث گفته که قبل از علقه ۴۰ روز طی می‌شود طبعاً بر طبق آیات فوق این دوره ۴۰ روزه دوره نطفه خواهد بود. در صورتی که نطفه (لقاح اسپرم و تخمک و تشکیل سلول تخم) در بخشی از یک روز تشکیل می‌شود؛ و ۴۰ روز شامل ۱۶ مرحله تغییر می‌شود. چطور می‌شود این همه مراحل را نطفه نامید.

طبق حدیث از مرحله ۱۶ تا ۴۰ روز بعد جنین به صورت علقه (خون بسته) است که بی‌معنی است و از ۸۰ روز به بعد تا ۱۲۰ روزگی مضغه می‌شود در حالی که در تمام این مدت جنین دارای طرح کامل انسان است (شکل آخر) و هیچ شباهتی به گوشت جویده ندارد؛ بنابراین تمام آنچه در آیات و احادیث در مورد مراحل رشد جنین آمده است غلط است.

عده‌ای از معجزه تراشان کوشیده‌اند که به کمک محمد بیابند و از این همه غلط معجزه بسازند. گفته‌اند که منظور از علقه زالوست نه خون بسته؛ یعنی قرآن می‌خواسته بگوید که جنین شبیه زالوست. چون مثل زالو به دیواره رحم می‌چسبد؛ اما این نظر باطل است. چون اولاً مخالف نظر و فهم تمام مفسران و عالمان دینی و صحابه در ۱۴۰۰ سال گذشته است. چنانچه سیوطی در تفسیرش می‌گوید علقه جمع علق است به معنی خون غلیظ.

ثانیاً: اگر فرض کنیم که تمام بزرگان دین اشتباه کرده‌اند و منظور زالوست بازهم مسئله حل نمی‌شود چون جنین بعد از هفته اول تا آخر ۹ ماهگی به دیواره رحم چسبیده است بنابراین باید گفت علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است.

ممکن است بگویند که زالو نامیدن جنین نه به خاطر چسبیدن به رحم بلکه به خاطر شکل خمیده جنین است؛ اما بازهم مشکل حل نمی‌شود چون اولاً شکل عادی زالو خمیده نیست و ثانیاً جنین از هفته سوم تا آخر نُه ماه فرم خمیده دارد بنابراین بازهم باید گفت که علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است.

جالب‌تر از همه این است که بدانید که این گفته قرآن در مورد مراحل رشد جنین از قرن‌ها قبل از اسلام در جوامع آن زمان‌ها رایج بوده است.

گالن پزشک مشهور یونانی در حدود سال ۱۵۰ پس از میلاد (۴۵۰ سال قبل از محمد) در ترکیه فعلی نوشته است که: خلقت جنین به چهار مرحله تقسیم می‌شود. مرحله اول که شکل منی (معادل نطفه) غالب است... وقتی که با خون پر شد (معادل علقه) و هنوز قلب و مغز و کبد ساخته نشده‌اند و بی‌شکل است ولی دارای جسمیت است و اندازه فراوانی دارد این مرحله دوم است و شکل گوشت دارد (معادل مضغه) نه منی... مرحله سوم به دنبال می‌آید... که در آن سه جزء مشخص، یک طرح کلی و رای همه قسمت‌های دیگر قابل مشاهده است. پیدایش سه جزء مشخص را واضح‌تر می‌بینی معده را مبهم‌تر و دست و پاها را. سپس آن‌ها شاخه (برجستگی که دست‌ها یا پاها را می‌سازند) تولید می‌کنند. در چهارمین و آخرین مرحله همه قسمت‌های اندام‌ها مشخص شده‌اند... و حرکت می‌کند چون حیوان به‌طور کامل ساخته شده است... زمان آن برای طبیعت فرا رسیده است که ارگان‌ها را به‌طور دقیق به هم مرتبط کند و کامل کند؛ بنابراین طبیعت موجب می‌شود که گوشت بر رو و اطراف استخوان‌ها رشد کند... و در انتهای استخوان‌ها لیگامنت‌ها را قرارداد که استخوان‌ها را به هم نگه می‌دارد و در سراسر اطراف استخوان پرده‌ای قرار داد که به آن پریوستئال گفته می‌شود.

انصافاً می‌بینید که گلن مراحل ذکر شده توسط قرآن را با دقت و صحت بیشتر گفته است. صحت بیشتر به این دلیل که پر شدن از خون گرچه کاملاً درست نیست ولی از نظر جنین‌شناسی قابل قبول‌تر است چون رگ‌های خونی در اطراف و درون ساختار اولیه جنین تشکیل می‌شوند اما خون بسته شده غلط است. در مرحله بعد گلن گفته که جنین شبیه گوشت شده که با مضغه تناسب دارد اما مفهوم «جوییده شده» معنی را تحریف کرده

است. در مراحل بعد جوانه زدن دست‌ها و پاها و تکمیل آنان را به‌درستی توضیح داده است ولی در قرآن و حدیث نیامده است. همچنین رشد گوشت در اطراف استخوان‌ها را ذکر کرده که درست است ولی محمد بجای بیان صحیح گلن بیان غلط قرآن را به‌کار برده که مضغه به استخوان تبدیل می‌شود (یعنی در این مرحله جنین از جنس استخوان است) که غلط است و سپس گوشت در اطراف آن می‌روید. به نظر می‌رسد این اندیشه‌های گلن از طریق تجارت و روابط دیگر از ترکیه به سرزمین‌های دیگر از جمله عربستان رسیده و محمد این‌ها را به‌طور ناقص شنیده و به‌صورت ناقص‌تر از اصل، در قرآن آورده است که البته برای یک انسان امری طبیعی است. نه برای خدا. از معجزه تراشان باید پرسید این چه معجزه ایست که به‌طور ناقص از دیگران قرض گرفته می‌شود. این قرض‌گیری ناقص ایده‌ها توسط محمد دلیلی قطعی بر غیر الهی بودن منشأ قرآن است (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۱ - ۵۹).
 با توجه به طولانی بودن شبهه و متعدد بودن اشکالات دکتر سها، اشکالات را به‌صورت جداگانه موردبررسی قرار می‌دهیم.

اشکال اول: بررسی حدیث

بر اساس این حدیث مدت نطفه ۴۰ روز و مدت علقه نیز ۴۰ روز و مدت مضغه نیز ۴۰ روز می‌شود. در صورتی‌که نطفه (لقاح اسپرم و تخمک و تشکیل سلول تخم) در بخشی از یک روز تشکیل می‌شود نه ۴۰ روز (سها، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

پاسخ اشکال اول

از کلام سها فهمیده می‌شود که وی کلمه «یوم» را در این حدیث به معنی شبانه‌روز گرفته است و بر این اساس به قرآن و روایت ایراد وارد کرده است اما اگر وی به کتب لغت عربی مراجعه می‌کرد شاید سریع حکم به نادرستی این روایت نمی‌داد؛ زیرا استعمال کلمه «یوم» در زبان عربی و به‌تبع آن در آیات و روایات فقط به معنای شبانه‌روز نیست و معانی دیگری هم دارد از جمله در کتب لغت ادبیات عرب همان‌طور که یوم برای روز از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب به‌کار رفته است علاوه بر آن بر مطلق وقت هم به‌کار رفته است به کلام چند نفر از لغت‌شناسان عرب اشاره می‌شود:
 ابو هلال عسکری (م ۳۴۲ق) در باب فرق بین یوم و نهار می‌نویسد: یوم اسم است برای مقداری از وقت‌ها (عسکری، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۳).

راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) در این باره می‌نویسد: از وقت طلوع خورشید تا غروب به یوم تعبیر می‌شود و گاه مدتی از زمان تعبیر به یوم می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۸۹۴). ابن منظور (م ۷۱۱ق) هم در کتاب لسان العرب می‌نویسد: عرب ایام را در معنی وقایع به کار می‌برد و می‌گوید: او عالم به ایام عرب است و منظورش وقایع عرب است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۶۵۱).

فیومی (م ۷۷۰ق) می‌نویسد که گاهی از یوم اراده وقت و حین می‌شود روز باشد یا شب پس می‌گویی: «دَخَرْتُكَ لِهَذَا الْيَوْمِ» یعنی برای این وقت (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۸۳). زبیدی (م ۱۲۰۵ق) درباره یوم می‌نویسد: یوم به معنی مطلق زمان استعمال می‌شود (زبیدی، ۱۴۱۴، ص ۷۷۹).

حال اگر به قرآن رجوع کنیم انواع کاربرد یوم وجود دارد؛ اطلاق یوم در مورد نهار در مقابل شب: «سَيُرَوُّ فِيهَا لَيَالِيٌ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» (سباء: ۱۹) و نیز آیات ۵۹ سوره طه، ۱۸۴ سوره بقره و ۷ سوره الحاقه یوم به معنای روز استعمال شده است.

یوم برای شبانه‌روز مثل «هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَ لَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» (شعراء: ۱۴). اطلاق یوم برای مطلق وقت و حین یا برای زمان کمتر از یک روز: «سَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ» (مریم: ۱۵) بر او زمانی که به دنیا می‌آید و زمانی که از دنیا می‌رود. «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (رحمان: ۲۹) او در هر لحظه مشغول کار و فعالیت است. یا برای زمان بیشتر از یک روز: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان: ۱۰). پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکار برآورد، یا در گفتگوی عرفی گفته می‌شود که روزی که فلان شخص زنده بود مشکلات ما کمتر بود با اینکه منظور سال‌هایی است که زنده بوده است. استعمالش در خارج از مفهوم مادی است مثل «یوم الدین» (فاتحه: ۱).

این کاربردها در احادیث هم وجود دارد از جمله؛ از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: «الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ» (سیدرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۶): روزگار دو روز (دوره) است یک دوره به نفع تو و یک دوره علیه توست؛ و این معنا برای خلقت شش‌روزه درست است؛ زیرا در روایتی ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف که درباره خلقت آسمان و زمین است از امام

صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «فی ستة ایام یعنی فی ستة اوقات.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۷۳) «در شش روز یعنی در شش وقت».

بنابراین یوم دارای معانی متعدد است و فقط به معنای روز نیست، و لذا واژه «اربعین یوما» را به معانی مختلف از جمله ۴۰ وقت یا ۴۰ مرحله (دوره) می‌توان تفسیر نمود. در نتیجه روایت مذکور با نظریه: «نطفه (لقاح اسپرم و تخمک و تشکیل سلول تخم) در بخشی از یک روز تشکیل می‌شود.» منافاتی ندارد.

اشکال دوم: مرحله علقه و مضغه

سها می‌گوید: عده‌ای از معجزه تراشان سعی کرده‌اند که به کمک محمد بیابند و از این همه غلط معجزه بسازند. گفته‌اند که منظور از علقه زالوست نه خون بسته؛ یعنی قرآن می‌خواسته بگوید که جنین شبیه زالوست. چون مثل زالو به دیواره رحم می‌چسبد؛ اما این نظر باطل است چون اولاً مخالف نظر و فهم تمام مفسران و عالمان دینی و صحابه در ۱۴۰۰ سال گذشته است (چنانچه سیوطی در تفسیرش می‌گوید علقه جمع علق است به معنی خون غلیظ).

ثانیاً: اگر فرض کنیم که تمام بزرگان دین اشتباه کرده‌اند و منظور زالوست بازهم مسئله حل نمی‌شود چون جنین بعد از هفته اول تا آخر ۹ ماهگی به دیواره رحم چسبیده است بنابراین باید گفت علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است.

ممکن است بگویند که زالو نامیدن جنین نه به خاطر چسبیدن به رحم بلکه به خاطر شکل خمیده جنین است؛ اما بازهم مشکل حل نمی‌شود چون اولاً شکل عادی زالو خمیده نیست و ثانیاً جنین از هفته سوم تا آخر ۹ ماه فرم خمیده دارد بنابراین بازهم باید گفت که علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۴).

همچنین دکتر سها قائل است: مراحل رشد جنین را از آغاز لقاح تا انتهای ۸ هفتگی (حدود ۶۰ روز که فرم کلی جنین ایجاد شده است) به ۲۳ مرحله تقسیم می‌شود.

بعد از ۸ هفتگی جنین به سرعت رشد می‌کند و تمام قسمت‌ها به سرعت تکامل می‌یابند تا هنگام تولد؛ البته مراحل رشد برخی بافت‌ها و ارگان‌ها مخصوصاً سیستم عصبی پس از تولد هم ادامه می‌یابد. همان‌طور که می‌دانید جنین دائماً در حال تغییر و تکامل است، حال کدام یک از مراحل علقه است و کدام مضغه (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۱ - ۶۲).

پاسخ اشکال دوم

اول: معنی علقه را از کتب معتبر لغت استخراج می‌کنند نه از تفاسیر.

دوم: اگر قرآن کلام خداست، باید علمش راستین باشد، درحالی‌که علم انسان در هر دوره‌ای نسبت به آینده ناقص است؛ پس اگر مفسرین گذشته تفسیری ارائه دهند که در آینده ابطال گردد، در اصل نظر آن‌ها ابطال شده نه قرآن. در واقع اگر نظر آن‌ها اشتباه بوده، ربطی به قرآن ندارد. ناقد قرآن در ایراد همه شبهات (نه تنها این شبهه) اصرار دارد که برداشت غلط و نادرست خود و دیگران را به قرآن نسبت دهد.

سوم: همان‌طور که گفته شد قرآن کریم در سوره غافر آیه ۶۷، همه مراحل بعد از نطفه را علقه عنوان نموده و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً»؛ او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس شما را به صورت طفلی (از شکم مادر) خارج می‌کند. پس این جمله ناقد قرآن که می‌گوید: (علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است) غلطی بیش نیست که از جهل او نسبت به آیات قرآن کریم نشأت می‌گیرد.

چهارم: در آیات مورد بحث، تطورات و تحولات علقه بیان شده است؛ زیرا در این آیات، جهت تبدیل نطفه به علقه، از کلمه «ثم» که بیانگر نوعی مغایرت بین دو مرحله است استفاده نموده (ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً) ولی در مراحل تبدیل علقه به مضغه و مضغه به استخوان و سپس رویش گوشت بر استخوان، از حرف «فاء» استفاده شده است (فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا)؛ یعنی همان علقه است که به شکل مضغه درآمده و از مضغه، عظام و لحم پدید آمده است.

پنجم: علقه معانی مختلفی دارد: «علق» جمع «عَلَقَهُ» و در اصل به معنای چیزی است که به چیز بالاتر آویزان شود. کاربرد آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می‌چسبد و خون را می‌مکد و... است. با توجه به اینکه علقه معانی مختلفی دارد لزوماً به معنی خون بسته شده نیست و معانی دیگر مثل آویزان بودن و تشبیه به زالو می‌توان به کار برد که با نظریات جدید پزشکی نیز همخوانی دارد.

اینکه چرا مترجمان و مفسران قرآن - به‌ویژه قدما - علقه را به خون بسته تفسیر

کرده‌اند؛ درحالی‌که خود جنین در این مرحله از خون بسته نیست به این دلیل است که در این مرحله اطراف جنین را خون غلیظی فراگرفته است که جنین در درون این خون‌ها است و شکل جنین جز با میکروسکپ قابل مشاهده نیست.

همچنین تعبیر علقه به زالو به خاطر این است که اولاً رویان در این مرحله، شباهت به زالو دارد غیر از شباهت ظاهری، زالو به بدن انسان یا حیوان می‌چسبد و از خون آن‌ها تغذیه می‌کند. رویان نیز به رحم مادر می‌چسبد و از خون او تغذیه می‌کند و این امر ادامه دارد تا اینکه برای خود سلول‌های خون‌ساز درست می‌کند و پس از آن جنین فقط اکسیژن و مواد غذایی را از مادر می‌گیرد علاوه بر این هم از زالو و هم از جنین، ماده‌ای به نام «هیپارین» ترشح می‌شود تا خون در آنجا منعقد نشود و قابل تغذیه باشد.

دکتر گری میلر، کانادایی تبار، استاد و یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت ملک فهد در کتابش ماجرای دیدار خود با جان کیت آل مور دانشمند معروف جنین‌شناس را می‌نویسد که من از دیدار و گفتگو با دکتر کیت مور در برنامه تلویزیونی بسیار لذت بردم و مقدار زیادی راجع به این مطلب سخن گفتیم. او یادآور شد که برخی از چیزهایی که قرآن راجع به رشد جنین انسان بیان کرده تا سی سال پیش شناخته نشده بود. در واقع او گفت که به‌ویژه توصیف قرآن در رابطه با جنین انسان با عبارت «زالو شبیه به لخته خون» (علق) (سوره‌های حج آیه ۵، مؤمنون آیه ۱۴ و غافر آیه ۶۷) برای او جدید بوده اما وقتی او آن را بررسی کرد، دریافت که این مطلب درست است و آن را به کتابش افزود. او می‌گفت: «من قبل از این هرگز به این نکته فکر نکرده بودم» او همچنین به بخش جانورشناسی رفت و تصویر یک زالو را درخواست نمود و آن وقت فهمید که زالو دقیقاً شبیه جنین انسان به نظر می‌رسد (گری میلر، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰).

در پاسخ به اشکال «جنین از هفته سوم تا آخر ۹ ماه فرم خمیده دارد بنابراین بازهم باید گفت که علقه شامل تمام دوره‌های جنینی می‌شود که برخلاف نص قرآن است» (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۴).

می‌توان گفت: علقه در اصل به معنای چیزی است که به چیز بالاتر آویزان و چسبیده می‌شود (قزوینی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۵)؛ از این رو کاربرد آن در خون غلیظ و زالو آمده است (جوهری، ۱۴۰۷، ص ۵۲۹).

پس می‌توان گفت در مواردی که علقه به‌کاررفته «چسبندگی» و «آویزان بودن» لحاظ شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۵۷۹، مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۰۳، طرحی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲).

همچنین «علقه» به چیز آویزان و معلق گفته می‌شود؛ جنین نیز از هنگامی که تغذیه را از طریق خون مادر آغاز می‌کند، به‌وسیله ساقه اتصالی چسبیده به دیواره رحم به‌صورت آویزان و معلق درون مایع آمنیوتیکی قرار می‌گیرد.

در صفحه ۹۱ کتاب جنین‌شناسی لانگمن آمده است: در روز سیزدهم جنین جوان توسط ساقه اتصالی در حفره کوریون آویزان است. هم‌زمان، حفره کوریون بزرگ‌تر می‌شود و تا روز نوزدهم با بیستم رویان توسط ساقه اتصال‌دهنده نازکی به پوسته تروفوبلاستی متصل می‌گردد ساقه اتصال‌دهنده بعداً تبدیل به بند ناف می‌شود.

کسانی که علقه را به معنی خون غلیظ گرفته‌اند در مرحله علقه قابل تطبیق است؛ زیرا در طول هفته دوم، به‌وسیله آنزیم‌هایی که از سلول‌های خارجی مجموعه جنینی ترشح می‌شود، سلول‌های آندومتر، تخریب شده و حفره‌های کوچکی در آن ایجاد می‌شود و مویرگ‌ها و شریان‌های وریدی کوچکی به این حفره‌ها راه‌یافته و خون به داخل آن‌ها جریان پیدا می‌کند. به تدریج حفرات خونی کوچکی به هم می‌پیوندند و حوضچه‌های خونی در جداره رحم تشکیل می‌شود به‌طوری‌که به‌صورت یک لخته فیبری خون می‌گیرد. این معنی اشاره به خود رویان ندارد بلکه اشاره به اطراف رویان دارد در مرحله مضغه دیگر آن به‌صورت لخته فیبری خون نمایان نیست و جنین معلوم می‌شود (حیدری‌نسب، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴).

اگر معنی زالو را برای علقه بپذیریم به خاطر شباهتی است که در این مرحله با زالو دارد حالت کرمی شکل جنین، تقریباً تا پایان روز نوزدهم پس از لقاح ادامه دارد که در مرحله مضغه یعنی از هفته چهارم به بعد از شکل ظاهری و حالت مستقیم زالو تغییر شکل می‌دهد و به شکل عاملت سؤال درمی‌آید.

در مرحله مضغه اتصال و چسبندگی به‌وسیله بند ناف ادامه دارد اما شباهت به زالو و احاطه کردن آن با لخته خون وجود ندارد به عبارتی در مرحله مضغه که به گوشت تبدیل می‌شود برخی خصوصیات علقه را به همراه دارد.

منظور از نطفه و علقه و مضغه از دیدگاه دو پزشک به نام دکتر عبدالحمید دیاب و دکتر احمد قرقوز از نطفه تا علقه: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً» (مؤمنون: ۱۴) همراه با لقاح و پیوند نطفه مرد (اسپرم) و تخمک زن (اوول) و تشکیل تخمک (زی گوت) تخم به وجود آمده شروع به تقسیم و تکثیر نموده در آغاز به دو بخش بعد از آن به چهار قسمت و بعد هشت بخش و... تقسیم و تکثیر می‌شود بدون اینکه بر حجم تخم افزوده شود این روند تقسیم و تکثیر تخم در طول حرکت تخم به سوی رحم صورت می‌گیرد آن هم به وسیله حرکت‌های انقباضی رحم و مژک‌های رحم. وقتی که تخم به رحم می‌رسد به صورت یک توده سلولی در خواهد آمد که اصطلاحاً آن را «توته» یا «مورولا» می‌خوانند علت اطلاق این نام بدان خاطر است که از لحاظ شکل ظاهری شبیه توت‌فرنگی است پس از اینکه جنین در رحم لانه‌گزینی کرد سلول‌های سطحی آن از سلول‌های داخلی جدا شده و به صورت سلول‌هایی استوانه‌ای شکل یا تروفوبلاست درمی‌آیند که کارکرد اصلی آن تأمین غذا برای جنین است. این‌گونه تمهیدات لازم، لانه‌گزینی تخم در رحم فراهم می‌آید که بعد از آن سلول‌های تغذیه‌کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ کرده به آن معلق (آویزان) می‌شوند این کار مدت ۲۴ ساعت ادامه می‌یابد و بدین طریق مرحله شکل‌گیری علقه کامل می‌شود چه بسا زیبایی این تعبیر قرآنی جز برای کسانی که این توده سلولی را به صورت آویزان نه کاملاً چسبیده به رحم مشاهده کرده‌اند قابل‌تصور نباشد.

در اینجا لازم است که اشاره‌ای به آیاتی داشته باشیم که انسان را به یاد زمانی می‌اندازد که به صورت توده‌ای سلولی در رحم مادر معلق بوده از آن‌گرم، غذا و آرامش می‌گرفته است. خداوند در اولین سوره‌های که نازل فرمود و آن را سوره علق نامید می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق: ۱ - ۲) ترجمه: بخوان به نام پروردگارت آنکه (همه جهان را) آفریده است انسان را از خون بسته آفریده است.

منظور از واژه مضغه

پیرامون واژه مضغه خدای سبحان در آیه ۲۳ مؤمنون می‌فرماید: «فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً» در ابتدا لازم است معنای مضغه را بیان شود، مضغه عبارت است از پاره گوشتی که دو لایه دارد: لایه بیرونی یا اکتودرم، و لایه درونی یا آندودرم، بعد از آن، لایه سومی میان این دو شکل می‌گیرد که لایه میانی یا مزودرم، نام دارد. این مرحله بنا بر آیه ۵ سوره حج دارای دو

خصوصیت است یا مخلقه است و یا غیر مخلقه خداوند این‌گونه می‌فرماید: «فَأَنَّا خَلَقْنَا كُومٍ مِّن تَرَبٍ ثُمَّ مِّن نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ» (حج: ۵)؛ «ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و بعد از خون بسته‌شده، سپس از مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل».

صاحبان کتاب طب در قرآن در تفسیر مخلقه و غیر مخلقه می‌گویند: از ابتدای بارداری تا پایان هفته چهارم هیچ‌کدام از اجزای جنین قابل تشخیص نیست.

لذا می‌توان این مرحله را به نام مرحله غیر مخلقه یا غیر شکل گرفته نام‌گذاری کرد در این مقطع زمانی بارداری وارد مراحل حساس و مهم خود شده، از هفته پنجم تمایز و تفاوت اعضا قابل تشخیص است زمانی که در آن لایه‌های زاینده حرکت و تغییر شکل می‌دهند و چیزی که در علم جنین‌شناسی (دیفرنسیشن) خوانده می‌شود و قرآن از آن به تخلق تعبیر می‌فرماید در این مرحله هر یک از سلول‌های زاینده لایه‌های سه‌گانه مضغه برای ساخت و پردازش یکی از اعضای بدن وارد بدن می‌شود و تمامی این مراحل در طی فرایند رشد و تکامل صورت گرفته تا آفرینش انسان به بهترین وجه و زیباترین شکل انجام پذیرد.

مرحله تخلق (که همان تمایز لایه‌های زاینده و تشکیل اعضا است) تقریباً در ماه سوم بارداری به پایان می‌رسد در این زمان طول جنین ۱۰ سانتیمتر و وزن آن حدوداً ۵۵ گرم است که می‌توان آن را مرحله مضغه متخلقه یا شکل‌گیری اعضا نامید (دیاب، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

اشکال سوم: مرحله استخوان

در هیچ مرحله‌ای استخوان نیست. اساساً رشد تمام بافت‌ها از جمله عضله و استخوان باهم پیش می‌روند نه اینکه ابتدا جنین تبدیل به استخوان شود و سپس گوشت اطراف استخوان‌ها را فراگیرد (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

پاسخ اشکال سوم

از نظر علم پزشکی گفته می‌شود که جنین بعد از آنکه مرحله علقه و مضغه را پشت سر گذاشت، بعضی سلول‌هایش تبدیل به سلول‌های پیش ساز استخوانی می‌شود. بعد از آن تدریجاً عضلات و گوشت روی آن را می‌پوشاند. مرحله ایجاد استخوان‌ها و رویش عضله بر آن‌ها به حکم آیه ۱۴ سوره مؤمنون «فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»: گوشت جویده را به استخوان‌هایی تبدیل کردیم و استخوان‌ها را با گوشت

پوشاندیم این آیه به تکوین استخوان‌ها و ستون فقرات پیش از عضلات اشاره دارد و نیز از عضلات به‌عنوان پوشش استخوان‌ها یاد شده است و این مطلب از نظر آناتومی امروز کاملاً روشن است (محسنی‌مقدم، ۱۳۸۸، ص ۴۳۱).

بنابراین، این آیه، معجزه علمی است که پرده از روی این مسئله که در آن زمان، بر هیچ‌کس روشن نبود، برمی‌دارد؛ زیرا قرآن نمی‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم، بلکه می‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و به استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم (محسنی‌مقدم، ۱۳۸۸، ص ۴۳۱).

ساخته‌شدن سلول‌های سکروتوم که باعث پیدایش غضروف و استخوان می‌شود از هفته چهارم بارداری شروع می‌شود و در ادامه بر این غضروف‌ها گوشت (عضلات) روییده می‌شود (ر.ک: لانگمن، ۱۳۹۷).

اشکال چهارم: مرحله دمیدن روح

از جمله اشکالات سها به مرحله دمیدن روح است وی می‌گوید: هیچ تغییری که نشانگر دمیدن روح باشد در جنین اتفاق نمی‌افتد (سها، ۱۳۹۳، ص ۶۳).

پاسخ اشکال چهارم

طبق آیات قرآن شکل‌گیری انسان از مراحل نطفه، علقه، مضغه، شکل‌گیری استخوان و دمیدن روح تشکیل می‌شود.

در مراحل نخست بدن، حیات نباتی و حیوانی دارد ولی برای رسیدن به مرحله انسانی، نیازمند آن است که به قدری از رشد برسد که توانایی شکل‌گیری روح را داشته باشد؛ البته ممکن است دانشمندان علوم طبیعی، مراحل اولیه را نیز حیات بنامند و این مسئله منافاتی با آنچه گفته شد ندارد؛ زیرا در نظر فلاسفه اسلامی نیز مراحل اولیه دارای حیات نباتی هستند ولی حیات در مرحله انسانی، امری است که نیازمند دمیده شدن روح الهی است و آن مسئله نیز نیازمند رشد جسم به درجه خاصی است که معمولاً در چهارماهگی جنین رخ می‌دهد.

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه، در تفسیر آیه مزبور، درباره آفرینش روح انسان می‌نویسد: در جمله «ثم أنشأناه خلقاً آخر» سیاق را از خلقت قرار نداده، بلکه به انشاء تعبیر کرده است تا دلالت کند بر اینکه آنچه در آخر به وجود آوردیم حقیقت دیگری است غیر آنچه در مراحل قبلی بود. از سیاق آیات، روشن است که صدر آیات، آفرینش تدریجی مادی انسان را

وصف می‌کند و در ذیل، که به پیدایش روح یا شعور و اراده، اشاره دارد، آفرینش دیگری را بیان می‌دارد که با نوع آفرینش قبلی مغایر است. این اختلاف تعبیر، خود شاهد است بر اینکه خلق آخر از سنخ دیگری است که نمی‌تواند مادی باشد (طباطبایی، ۱۳۸۱، ص ۲۱).

مفسران (میبدی، ۱۳۷۱، ص ۴۲۰؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۴، حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۶) در ذیل این آیه به روایتی از امام باقر علیه السلام استناد کرده‌اند که منظور از «خلق آخر» همان دمیدن روح است که فلاسفه از آن تعبیر به نفس ناطقه می‌کنند: «قوله تعالی: ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَهُوَ نَفْخُ الرُّوحِ فِيهِ»؛ یعنی روح در آن دمیده شد (قمی ۱۴۰۴، ص ۹۱، مجلسی ۱۴۰۴، ص ۳۶۹).

البته از دیدگاه عرفانی، خلقاً آخر به نفس ناطقه انسانی تفسیر شده است؛ یعنی آن چیزی که انسانیت انسان به آن است (ابن عربی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴ و ۳۳۱).

نفس ناطقه انسانی، عبارت از حقیقت واحدی است که مظهر و آئینه وجود حق و محل تجلی اسم جامع الهی است (خوارزمی، ۱۳۸۴، ص ۶۰۲).

این تفسیر (دیدگاه عرفانی) منافات با این ندارد که بگوییم منظور همان روح است؛ زیرا نفس ناطقه انسانی، همان روح الهی است که در وی دمیده شد و انسان به همین حقیقت، قوه ادراکی او قوی‌تر از دیگر موجودات است

بنابراین، دمیدن روح: حقیقتی شگرف و متعالی است که مجرد بوده و واقعیتی غیر از جسم دارد. با دمیدن روح در جنین، جنین وارد مرحله جدیدی می‌شود؛ زیرا از این پس قادر به تحرک و شنیدن بوده و اینجا شروع هماهنگی و همکاری بین اعضاست و قادر به محیط خود واکنش نشان دهد، صدای مادر را بشنود و از محیط خود ادراک‌هایی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از محورهای مهم و قابل‌توجه در آیات قرآن، موضوع پیدایش و آفرینش جنین است که به‌عنوان نقطه آغاز حیات انسانی مطرح گردیده، در یک آمار کلی، قرآن در ۴۱ سوره با ۷۶ آیه با بیانی شیوا به این موضوع پرداخته است.

۲. مراحل رشد جنین، در آیات مورد بحث عبارتند از: نطفه، علقه، مضغه، عظام و پوشیدن آن با لحم و دمیدن روح است.

۳. تمامی تغییرات مذکور در بحث مراحل رشد جنین در آیات با یافته‌های علمی علوم پزشکی مطابقت دارد.

۴. علی‌رغم عدم مخالفت تغییرات مراحل رشد جنین با یافته‌های علمی علوم پزشکی، دکتر سها در فصل دوم کتاب «نقد قرآن» که مربوط به «خطاهای علمی قرآن» است با پیش‌فرض قرار دادن بعضی از مبانی، به ذکر نمونه‌هایی از تعارض قرآن با یافته‌های علمی پرداخته است و حکم به غیر الهی بودن قرآن کریم داده است

۵. معیار قرآن کریم برای این تقسیم‌بندی، تغییرات اساسی در رویان است. اگر بخواهیم تغییرات جزئی‌تر را مدنظر قرار دهیم، فرآیند رشد رویان را می‌توان به ۲۳ مرحله، و حتی ۲۳۰ مرحله تقسیم نمود؛ اما قرآن کتاب هدایت است نه علوم تجربی؛ لذا از قرآن انتظار می‌رود که مراحل را با اختصار و به‌دقت بیان نماید. به همین دلیل در این آیه تغییرات اساسی مدنظر قرار گرفته‌شده است که نه‌تنها با یافته‌های علوم پزشکی مخالفت ندارد، بلکه مطالب علوم پزشکی قرآن به‌صورت شگفت‌انگیزی جلوتر از علم حرکت کرده است و علم قطعی آن‌ها را تأیید می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۲. ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیة، بیروت: دار الصادر، ۱۳۹۶.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ق.
۵. بار، محمد علی، الوجیز فی علم الأجنة القرآنی، عربستان: الدار السعودیه، ۱۴۰۵ق.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ دوم، قاهره: وزارة الاوقاف. المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
۷. بستی، ابوحاتم محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق.
۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران: کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۹. خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن، شرح فصوص الحکم، تهران: مولى، ۱۳۸۴.
۱۰. دیاب، عبدالحمید و احمد قرقوز، طب در قرآن، ترجمه علی چراغی. تهران: حفظی، ۱۳۸۸.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت، ۱۳۳۲.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، پاسخ به شبهات قرآن، قم: نشر- معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)، ۱۳۹۷.
۱۳. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۴. سجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن أبی داود، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۰ق.
۱۵. سها، نقد قرآن، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۹۳.
۱۶. شاذلی، (قطب سید) سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.



۱۷. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۸. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: آل البیت علیهم السلام، ۱۳۸۸.
۱۹. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، قم: کتابخانه مدرسه فقاها، ۱۳۷۵.
۲۱. عسکری، ابوهلال بن عبدالله، معجم الفروق اللغویة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۲ق.
۲۲. فیومی، احمدبن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافی، چاپ سوم، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۲۴. گری، میلر، «قرآن شگفت انگیز»، ترجمه مرتضی خرمی، مجله پیام جاویدان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰-۱۳۷.
۲۵. لانگمن، جان و تامس دبلیو سادلر، رویان شناسی (جنین شناسی) پزشکی لانگمن، تهران: ابن سینا، ۱۳۹۷/۲۰۱۹م.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۳۰ق.
۲۸. معرفت، محمدهادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، قم: مؤسسه فرهنگي تمهید، ۱۳۸۵.
۲۹. مبیدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۳۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.